

انگاره‌های راهبردی برای نظام جمهوری اسلامی جهت نیل به سمت "علم دینی"

بر اساس الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی روشمند علم و دین"

عزیز نجف پور *

فاطمه گیتی پسند **

چکیده:

اندیشمندان و مسوولان نظام جمهوری اسلامی در راستای دغدغه اصلی خود یعنی مدیریت اسلامی-ایرانی کشور تلاشهای متعددی برای تولید نرم افزار این فرآیند انجام داده‌اند که به عناوینی از قبیل علم دینی، علم بومی، جنبش نرم‌افزاری، اسلامی‌شدن دانشگاهها، تحول علوم انسانی و ... می‌توان اشاره کرد.

سوال مهمی که مطرح است این است که با چه تمهیدات سیاستی می‌توان نظام آموزشی و پژوهشی دولتی و خصوصی کشور را در مسیر این مهم فعال کرد؟

با بررسی برخی از این فعالیتها و مطالعه وضعیت نظام آموزشی و پژوهشی کشور می‌توان به راهبردهای اصلاحی و تکمیلی و همچنین جدیدتری دست یافت که پیش بینی می‌شود اجرای آنها دقت و سرعت نیل به سمت علم دینی را بیشتر می‌نمایند.

راه تولید علم دینی از مسیر فهم و نقد روشمندان علم غربی و تطبیق آن با دین و نظریه‌پردازی بر اساس مبانی و ارزشهای دینی حاصل می‌گردد برای فهم درست علم غربی لازم است که در عین آشنایی با قاطبه نظریات هر حوزه علمی و تاریخ تطورات و تکوین آنها، با فلسفه، روش شناسی، غایات و هنجارهای علم هم آشنا شویم. نقد موارد فوق بر اساس ساختار درونی علم و همچنین بر اساس دین، زمینه مساعدی برای تولید علم دینی مهیا می‌نماید. این راه را الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی روشمند علم و دین" می‌نامیم. با این توضیحات، نگارنده گان این مقاله مقدماتاً با روشهای کتابخانه‌ای و استنباطی نسبت به بررسی برخی حوزه-ها و مولفه‌های نظام علوم انسانی کشور اقدام نموده‌اند و متعاقباً ضمن تشریح الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین"، سیاستهایی تدوین نموده و در اختیار ده نفر از صاحب‌نظران سیاستگذاری و مدیریت علوم انسانی کشور قرار دادند و بعد از دریافت اصلاحات و پیشنهادات صاحب‌نظران، سیاستها اصلاح و تکمیل و ارایه گردید.

کلمات کلیدی: سیاستهای تولید علم دینی و علم بومی، نقد علوم انسانی، مطالعات تطبیقی، ترجمه،

گفتگوی علم و دین

* دانشجوی دکتری فلسفه علم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مشاور سابق شورای تحول و ارتقای علوم انسانی -

گروه فلسفه علم (نویسنده مسوول)، تلفکس: ۰۲۱-۸۸۰۴۶۸۹۰ Aidin.najafpoor@gmail.com

** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، آدرس: دانشگاه امام صادق ع گروه علوم تربیتی f.gitipasand@yahoo.com

تلاش برای تولید "علم هماهنگ با مبانی و ارزشهای اسلامی" جهت مدیریت ایرانی- اسلامی کشور، یکی از دغدغه‌های جدی نظام جمهوری اسلامی در طی چند دهه گذشته بوده است.

عناوینی چون وحدت حوزه و دانشگاه، علم دینی، علم بومی، جنبش نرم‌افزاری، اسلامی‌شدن دانشگاهها و... مصادیقی از تلاش مذکور می‌باشند که در طی سالهای بعد انقلاب در بین سیاستگذاران نظام و متفکران معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی مطرح بوده و هست.

در یک نگاه تحلیلی به فعالیتهای انجام پذیرفته در حوزه تحول علم انسانی و علوم انسانی اسلامی، می‌توان سه رویکرد بارز را در مسیر تحقق علم دینی تمییز و دسته‌بندی کرد: ۱- رویکرد مباشرت مستقیم پژوهشی: در این رویکرد کوشش شده است تا با تعریف برنامه‌های پژوهشی، مستقیماً به تولید علم دینی پرداخته شود. مجموعه‌هایی مثل پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه امام صادق ع و... از مواردی هستند که در طی چند دهه گذشته کوشیده‌اند تا در حوزه ابعاد مختلف علم دینی اقدام به مفهوم‌شناسی و نظریه‌پردازی بنمایند. عناوینی همچون اقتصاد اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، مدیریت اسلامی و... از مجموعه موضوعات پژوهشی مجموعه‌های فوق می‌باشند. ۲- رویکرد سیاستگذاری: در این رویکرد، مجموعه‌هایی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی‌شدن دانشگاهها، کمیته ارتقای متون درسی علوم انسانی و اخیراً شورای تحول و ارتقای علوم انسانی کوشیده‌اند تا با تدوین سیاستها و آیین‌نامه‌ها و قوانین و اسناد بالادستی، بستر و ساختار دانشگاهها را به سمت تولید علم دینی سوق دهند. تدوین نقشه جامع علمی کشور، تدوین سند دانشگاه اسلامی، اصلاح سرفصلهای علوم انسانی، اصلاح آیین‌نامه مدیریت دانشگاهها و اصلاح آیین‌نامه ارتقای اعضای هیات علمی از مجموعه فعالیتهایی هستند که توسط مجموعه‌های فعال در این نوع رویکرد به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جهت تولید علم دینی انجام پذیرفته است. ۳- رویکرد فرهنگسازی: در این رویکرد، پیش‌فرض اولیه این است که یکی از عوامل اصلی ضعف تولید علم در حوزه‌های انسانی و اجتماعی (خصوصاً با رویکرد دینی) نگاه بت‌وار و تقلیدی به بدنه علوم انسانی کشور به علوم غربی است که اجازه نقد نظریات موجود و متعاقباً شکل‌گیری نظریات جدید را بدیشان نمی‌دهد. فلذا با ترویج فرهنگ نقد و مواجهه انتقادی با نظریات علمی، می‌توان یکی از موانع اصلی تولید علم (به صورت خاص‌تر موانع تولید علم دینی) را برطرف نمود. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی را شاید تنها مجموعه‌ای دانست که پیگیر این رویکرد است. نقد کتب و نظریات علوم انسانی از منظر علمی و دینی و مشارکت قاطبه بدنه علوم انسانی کشور در این روند و متعاقباً نشر نقدهای انجام شده در قالب کتاب، مجله علمی-پژوهشی و فضای مجازی از فعالیتهای شورای مذکور بوده است.

دسته بندی رویکردهای فوق صرفا پیشنهاد نگارنده گان مقاله می باشد و به نظر می رسد سیاستگذاران و مدیران این حوزه، اگر دسته بندی ای هم داشته باشند حداقل اینگونه دسته بندی نمی کنند و البته در مقام عمل هم نسبت و رابطه روشمندی بین مجموعه های ذیل هر رویکرد ایجاد نمی کنند و فضا را برای تزاخم و برخورد مجموعه ها و یا موازی کاری آنها و همچنین عدم توجه به جامعیت برنامه ها در جهت تولید علم دینی باز می گذارند.

هم اکنون در نظام آموزشی و پژوهشی کشور روندهای مشخصی در حال طی شدن است که علی رغم صرف وقت و انرژی و بودجه فراوان، لزوما در مسیر تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی کارگر نمی افتند و خودبخود ذهن سیاستگذاران و مدیران را بدین سمت سوق می دهند که با چه تمهیدات سیاستی و مدیریتی می توان نظام آموزشی و پژوهشی دولتی و خصوصی کشور را در مسیر این مهم فعال کرد؟ و اینکه برای تولید علم مذکور که آن را اجمالا "علم دینی" می نامیم، چه الگو، روشها و انگاره های راهبردی را می توان در پیش روی نظام نهاد؟

در این مقاله سعی شده است ضمن تشریح الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین"، سیاستهایی برای نیل به سمت علم دینی پیشنهاد و تشریح شوند.

البته سیاستهای مذکور هرکدام به صورت ابتدایی و ناقص در قسمتی از نظام علوم انسانی کشور و در گستره ای محدود در جریان هستند و در این مقاله بیشتر سعی شده است ضمن گردآوری اهم سیاستها، ابعاد مختلف نظری و اجرایی آنها توجیه و توضیح بیابد.

الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین" چیست؟

این الگو مبتنی بر این پیش فرض است که جامعه علمی کشور، به دلیل عدم آشنایی عمیق و جامع با علم مدرن و حدود و صغور و جایگاه اجتماعی آن در غرب، واجد نگاهی بت انگارانه به علم جدید گردیده که ضمن حجت تام دانستن گزاره های علمی، کوچکترین نقدی بر روالهای مرسوم آن را بر نمی تابد.

فلذا این الگو مقدماتا بر تعمیق و گسترش شناخت علم و ورزان از همه ابعاد علم مدرن در مقام ثبوت و اثبات استوار است که شامل آشنایی با مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، روش شناسی، غایات، هنجارها و اصول موضوعه ظاهر و پنهان در علم می گردد. طبیعتا آشنایی با تاریخ تکوین علم و نظریات ذیربط، نتیجه اجرای روشمند موارد فوق خواهد بود. مطالعه نقادانه علم از منظر دین و همچنین بر اساس منطق درونی علم و گفتگوی علم و دین، محور دیگر این الگو را تشکیل می دهد. بدین صورت که دلالت های دین و فلسفه اسلامی در ابعاد مختلف علم مورد شناسایی و بررسی گیرد و همچنین نظریات علمی براساس منطق درونی علم مورد ارزیابی و نقد قرار گیرند و تلاش شود برای نظریه پردازی از گزاره های دینی استفاده گردد.

روش انجام تحقیق:

نگارنده‌گان این مقاله مقدماتاً با روشهای کتابخانه‌ای و استنباطی نسبت به بررسی برخی حوزه‌ها و مولفه‌های نظام علوم انسانی کشور اقدام نمودند و با کمک مصاحبه‌های عمیق با برخی از صاحب‌نظران و مسوولان این حوزه، اقدام به تحلیل نظرات ایشان نموده و متعاقباً ضمن تشریح الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین"، سیاستهایی برای نیل به سمت علم دینی تدوین نمودند و در ادامه، سیاستهای تدوین شده را در اختیار ده نفر^۱ از صاحب‌نظران سیاستگذاری و مدیریت کلان علوم انسانی و آموزش عالی کشور قرار دادند و از ایشان خواستند تا ضمن اعلام نظر منفی و یا مثبت خود در باب سیاستهای تدوین شده، دلایل خود را هم ذکر کنند. بعد از دریافت نظرات اصلاحی و تکمیلی صاحب‌نظران، سیاستهای ذیل اصلاح و تکمیل و به شرح ذیل ارائه گردید:

۱- آموزش فلسفه و تاریخ علم به دانشجویان و همچنین آموزش نقد علوم انسانی از منظر منطق

درونی علم و پایگاه دین و مطالعه تطبیقی علم و دین

۲- احصاء نظریات موجود در باب علم دینی و بسترسازی برای نقد، اصلاح و تکمیل آنها و نیل

دانشمندان برای تولید نظریات علمی بر اساس آنها

۳- ساماندهی موضوعات پایان نامه های دانشجویی بر اساس موضوعات بومی، انتقادی و تطبیقی با

دین

۴- سوق دادن گفتمان حوزه و دانشگاه از بستر فرهنگی و سیاسی به بستر علمی و بازتعریف

سرفصلهای گروههای معارف دانشگاهها بر اساس دلالتهای دین در حوزه علم و تعامل تخصصی

علم و دین

۵- ساماندهی فرآیند ترجمه روشمند قاطبه متون اصلی و کلاسیک علوم انسانی و اجتماعی

البته بدیهی است که راهبردهای فوق تعدادی از راهبردهایی است که می‌تواند در مسیر تولید علم دینی مورد استفاده قرار گیرد و راهبردهای دیگری هم می‌توان به لیست فوق افزود.

توضیح و توجیه راهبردها:

۱- آموزش فلسفه و تاریخ علم به دانشجویان و همچنین آموزش نقد علوم انسانی از منظر منطق درونی علم و

پایگاه دین و مطالعه تطبیقی علم و دین:

این استراتژی که مبتنی بر الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین" می‌باشد بر آموزش عمیق و نقادانه علم مدرن از پایگاه دین و همچنین بر اساس منطق درونی خود علم، استوار است. بر این اساس این استراتژی باید تلاش شود مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناسی، غایات، هنجارها و اصول

موضوعه نانوشته در هر حوزه علمی، برای دانشجویان تبیین و توضیح بیشتری بیابد تا شناخت ایشان از علم و مبانی و جوانب آن عمیق‌تر شود. طبیعتاً آموزش تاریخ تکوین علوم و نظریات ذریبط هر حوزه علمی، مکمل روند فوق خواهد بود. در کنار این روندها، آموزش دلالت‌های دینی و فلسفه اسلامی در هر حوزه علمی و همچنین هنجارهای دینی در هر حوزه، به دانشجویان و متعاقباً آموزش تطبیقی علم و دین با هدف شکل‌گیری فرآیند نقد و اصلاح و تکمیل علم، زمینه ساز تولید علم دینی خواهد بود. در این حالت امید می‌رود که در بلند مدت، ضمن شکسته شدن تابوهای عموماً خودساخته علم مدرن، به همت اراده‌های دانشجویان مومن که به دنبال تداوم بخشی جهان‌بینی دینی خود در حوزه‌های علمی هم هستند، جرقه‌هایی از تولید علم دینی در هر حوزه زده شود.

بدنه پژوهشی دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی طبیعتاً از دانشجویانی که در ذیل این مسیر آموزشی قرار گرفته‌اند تغذیه خواهد شد و افرادی که با این روش علم آموزی کرده‌اند استعداد فراوانی برای نظریه‌پردازی علمی متأثر از جهان‌بینی دینی خواهند داشت.

اگر مسامحتاً پارادایم علم دینی را در مقابل پارادایم علم مدرن (البته عبارت پارادایم مدرن با تسامح به کار رفته است چرا که خود علم مدرن پارادایمهای متنوعی دارد و هدف ما در این مقاله بیشتر مرزبندی بین علم دینی با علم مدرن است) بپذیریم (علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۹: ص ۳۹-۵۱) طبیعی است که هسته مرکزی این دو پارادایم با همدیگر تفاوت دارد فلذا برای تقویت پارادایم علم دینی باید هسته مرکزی علم مدرن، مورد نقد جدی قرار گیرد. این فرآیند نقد اگر به صورت تطبیقی با پارادایم علم دینی، انجام بپذیرد ثمرات و نتایج بیشتری در پی خواهد داشت.

با این نگاه، اصلاح منابع و سرفصلهای رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی با توجه به ملاحظاتی که ذکر شد، می‌تواند در بلند مدت نویدبخش تولید "علم دینی" باشد.

در تجربه اسلامی شدن دانشگاهها تلاشهایی برای اسلامی کردن رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی انجام پذیرفته است. مثلاً "کمیته ارتقای متون درسی علوم انسانی دانشگاهها" با وظیفه بررسی و نقد و اصلاح جامع عناوین و سرفصلها و منابع رشته‌های علوم انسانی شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی در سال ۸۴ شروع به کار کرده است. ولی در این کمیته برای انجام این فرآیند، استراتژی و شاخصهای مشخص و شفاف تعریف نگردیده فلذا ظاهراً به صورت نانوشته، اذهان مجریان این فرآیند به سمت لزوم تقدم تعریف و مفهوم‌شناسی علم دینی بر سیاستگذاری آن، سوق یافته و از آنجا که در بسیاری از رشته‌ها نظریاتی با رویکرد دینی تولید نشده‌اند فلذا از انجام وظیفه مصوب کمیته منحرف شده و به سمت دیگری رفته‌اند. در حالی که اگر استراتژی پیشنهادی مذکور سرلوحه فعالیتها قرار می‌گرفت این بنبست رخ نمی‌داد و با اصلاح سرفصلها در ذیل الگوی "تعمیق شناخت و نقد علم و گفتگوی علم و دین"، می‌شد امیدوار بود که در بلند مدت شاهد

تولید نظریات علم دینی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی باشیم. (گزارش عملکرد کمیته ارتقا، ۱۳۸۹)

البته بعد از تعطیلی کمیته ارتقای متون درسی و شروع به کار شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، شاخص های مذکور به پیشنهاد نگارنده‌گان و بعد از تصویب شورای مذکور، در آیین نامه فعالیت‌های کارگروه‌های شورای تحول درج شد ولی مشاهده می‌شود که بعضا اعضای کارگروه‌های مذکور در بازنگری و اصلاح سرفصلها توجه چندانی به شاخصهای مذکور نداشته و حتی فهم مشترکی هم از آنها ندارند و طبیعی است که این نقیصه در بلند مدت می‌تواند عملکرد شورای تحول را با مشکل مواجه کند. (آیین نامه داخلی کارگروه- های شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، ۱۳۹۰)

۲- احصاء نظریات موجود در باب علم دینی و بسترسازی برای نقد، اصلاح و تکمیل آنها و نیل دانشمندان برای تولید نظریات علمی بر اساس آنها

هم‌اکنون چندین نظریه در باب مفهوم‌شناسی "علم دینی" با درجه شفافیت و انسجام داخلی متفاوت در بین صاحب‌نظران کشور مطرح است که از میان ایشان می‌توان به آیت الله جوادی آملی، دکتر خسرو باقری، دکتر حسین نصر، دکتر مهدی گلشنی، آیت الله عابدی شاهرودی، حجت الاسلام و المسلمین خسروپناه، حجت الاسلام و المسلمین میرباقری و ... اشاره کرد که هرکدام به نحوی در مورد ابعاد مختلف علم دینی و علوم انسانی اسلامی سخن رانده‌اند.

مسئله ای که وجود دارد این است که نظرات این صاحب‌نظران تابحال به صورت روشمند و جامع مورد بررسی و نقد قرار نگرفته و عملا راه ارتقا و اصلاح آنها محدود شده است. مساله دیگر این است که عموم این نظریات در حوزه فلسفه علم هستند نه خود علم و تا وصول به نظریه علمی راه زیادی در پیش دارند. طبیعی است که ایجاد فضای نقد و گفتگو در بین این نظریات، و همچنین بررسی و نقد آنها توسط بدنه علمی کشور باعث اصلاح و بعضا تکمیل و تقویت آنها خواهد گردید و تئوری و یا تئوری‌های موجود ما در باب مفهوم علم دینی دقیق‌تر و شفاف‌تر خواهد شد و تئوری‌های ضعیف‌تر از میدان حذف خواهند گردید. به همین دلیل، ایجاد فضایی برای طرح عالمانه و جامع و نقد روشمندان نظریات علم دینی، زمینه را برای بازسازی و تکمیل نظریات موجود علم دینی مهیاتر خواهد کرد.

طبعا یکی از لازمه‌های حداقلی این کار سازوکاری کارآمد برای طرح و نشر نظریات علم دینی در دانشگاهها است. مثلا نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها که اتفاقا یکی از مهمترین رسالت‌های اسلامی شدن دانشگاههاست، می‌تواند در طراحی و مدیریت این سازوکار نقشی جدی ایفا نماید.

منظور از عبارت روشمندی این است که مقدمات نظر مختار نظریه پردازان در باب علم، دین و رابطه علم و دین مشخص گردد و متعاقبا با تعیین ریز مولفه های علم، دین و علم دینی، نحوه تعامل این ریزمولفه‌ها با همدیگر

مورد بررسی و نقد قرار گیرد و در نهایت روند ترکیب مولفه‌های علم و دین و وضعیت انسجام درونی کلیت نظریه علم دینی مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدیهی است که اصولاً علمی که نتواند در حوزه عینیت موضوعات را برای ما تبیین کند و مسائلمان را حل کند علم به حساب نمی‌آید و بیشتر فلسفه، ایدئولوژی و ... شمرده می‌شود تا علم. فلذا ضمن تحقیق عینیت گزاره های علمی توسط اندیشمندان، ایجاد مکانیزمی برای ارتباط نظریات علم دینی با حوزه سیاستگذاری، برنامه ریزی و مدیریت اجرایی کشور" در اصلاح، بهینه‌سازی و تدقیق و مهمتر از همه "عینی آزمایی" و تحقیق "کفایت عملی" نظریات مذکور مثمر ثمر خواهد بود.

بعد از این مرحله و بازسازی و تکمیل تئوریهای موجود علم دینی و حذف تئوریهای ضعیفتر، تئوریهای باقیمانده طبق سازوکاری مشخص می‌توانند در اختیار اساتید و دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی قرار بگیرند تا بر اساس تئوریهای فوق اقدام به نظریه‌پردازی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بنمایند که نتایج این روند به هدف ما یعنی علم دینی نزدیکتر خواهد شد.

۳- ساماندهی موضوعات پایان‌نامه‌های دانشجویی بر اساس موضوعات بومی، انتقادی و تطبیقی با دین سالانه تعداد زیادی پایان‌نامه دانشجویی در مقاطع مختلف تحصیلی تصویب و اجرا می‌شود که گذشته از ایفای کارکرد پژوهشی، قسمتی از فرآیند آموزش را هم تکمیل می‌کند. موضوعات این پایان‌نامه‌ها در حوزه‌های علوم انسانی، عموماً از دایره موضوعات بومی، انتقادی و تطبیقی با دین بی‌بهره است و بیشتر به تقلید از موضوعات غربی و وارداتی می‌پردازد (البته برخی دانشگاهها و موسسات آموزشی و پژوهشی مثل دانشگاه امام صادق ع و ... تا حدودی از این قاعده مستثنی هستند) نگارنده‌گان بر این باوراند که سوق دادن دانشجویان به موضوعات بومی منجر به توجه ایشان به مبانی و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی بومی، که طبعاً شاخصه‌های دینی را هم در بر دارد، می‌گردد و همین مطلب در عین تقویت رویکرد نقادی نسبت به علم مدرن، زمینه مساعدی را برای تولید علم متناسب با شاخصه‌های دینی مهیا می‌کند.

طبیعتاً سوق یافتن موضوعات پایان‌نامه‌های دانشجویی به سمت موضوعات بومی باعث ارتقای کارآمدی تولیدات علمی مذکور گشته و مایه استقبال جامعه تخصصی و بازار کار، از تولیدات علمی ایشان گردیده و متعاقباً با تقویت چرخه عرضه و تقاضای علمی، به رونق فعالیت علمی دانشگاهیان با رویکرد بومی دامن می‌زند و در نهایت بستر و متعاقباً احتمال تولید نظریات با رویکرد دینی را ارتقا می‌دهد.

رویکردهای انتقادی در علم ورزی هم، خودبخود باعث ارتقای خلاقیت جامعه علمی می‌شود. مراجعه به موضوعات برآمده از رویکردهای انتقادی در حوزه های علوم انسانی، طبق توضیحاتی که رفت، نگاه بت‌وار به

فلسفه، روش شناسی، مکاتب و نظریات علم غربی را می‌شکند و فرصتی برای نفس کشیدن رویکرد دینی به علم را ایجاد می‌کند. چرا که اکثریت بدنه علوم انسانی کشور تعلقات فکری و انگیزشی دینی دارند ولی هیبت خودساخته علم مدرن مانع بزرگی در برابر نظریه‌پردازی از مبنای دین ایجاد می‌کند.

موضوعات متأثر از فضای بین رشته‌ای علم و دین، خود بخود در فرآیند مطالعه و تحقیق، به تطبیق علم و دین می‌انجامد و در این فرآیند طبعاً پژوهشگران تلاش خواهند کرد تا در حوزه‌های مختلف علم (فلسفه، روش شناسی و ...) به الگویی هماهنگ با دین برسند و همین مطلب فضای مساعدی برای تولید علم دینی آماده می‌کند.

نگارنده‌گان بر این اعتقادند که اگر اولویتهای موضوعی هر حوزه علوم انسانی و اجتماعی بر اساس شاخصهای فوق مورد شناسایی قرار بگیرد و به جامعه دانشگاهی معرفی شود، با توجه به علقه های بومی و دینی جامعه دانشگاهی طبعاً با استقبال مواجه خواهد شد و البته متعاقباً می‌توان از طریق ابزارهای حمایتی، اساتید و دانشجویان را به سمت موضوعات فوق ترغیب بیشتری کرد.

۴- سوق دادن گفتمان حوزه و دانشگاه از بستر فرهنگی و سیاسی به بستر علمی و بازتعریف سرفصلهای

گروههای معارف دانشگاهها بر اساس دلالتهای دین در حوزه علم و تعامل تخصصی علم و دین

گفتمان "وحدت حوزه و دانشگاه" گذشته از تاسیس چند مرکز محدود و خاص مثل پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ... هنوز معنای واقعی خود را در محافل تخصصی حوزوی و دانشگاهی نیافته و در نگاه متفکران و مسوولان جمهوری اسلامی، صرفاً به کارکردهای مثبت فرهنگی و سیاسی این گفتمان بسنده شده است. یکی از مهمترین ابعاد "وحدت حوزه و دانشگاه"، گذشته از وحدت مبنایی و روش‌شناختی، وحدت موضوعی است فلذا تعریف موضوعات مشترک علمی و پژوهشی بین حوزه و دانشگاه زمینه‌ای برای تحقق این امر می‌تواند باشد. معاونتهای پژوهشی دانشگاهها و حوزه علمیه محل خوبی برای این امر می‌باشند. ارایه فرصتهای مطالعاتی به اساتید دانشگاهها جهت حضور در محافل علمی حوزوی، زمینه دیگری است که به گفتگوی علم و دین کمک می‌نماید. گذشته از آن، حضور روشمند حوزه علمیه در محافل تخصصی دانشگاهی هم همین کارکرد را دارد. این امر با تحول در نگرش به گروههای معارف دانشگاهها و تبدیل کردن آنها از دروس عمومی که بیشتر بر گسترش اخلاق و اعتقادات دینی توجه دارد، به دروس تخصصی، که به ظهور و بروز دین در حوزه علم و تطبیق علم و دین می‌پردازد، میسر خواهد شد. از آنجا که ما هنوز نظریات علمی با رویکرد دینی در اکثر حوزه های علوم انسانی و اجتماعی نداریم فلذا کلیت این واحدهای تخصصی علم و دین را می‌توان به حوزه فلسفه علوم انسانی و اجتماعی تطبیقی با فلسفه اسلامی و دین سوق داد که البته در این حوزه اندیشمندان اسلامی دستی پرت‌تر دارند و دامنه تاثیرگذاری این حوزه هم وسیع‌تر است.

حضور روحانیون متبحر در حوزه‌های مختلف علمی، در گروه‌های علمی دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی و انجام فرآیند آموزش تطبیقی دین با علم، گذشته از اینکه دانشگاهیان را به سمت افق چشم‌انداز علم دینی سوق می‌دهد، زمینه را برای تولیدات علمی با رویکرد دینی توسط خود اساتید معارف دانشگاهها مهیا می‌نماید.

۵- ساماندهی فرآیند ترجمه روشمند قاطبه متون اصلی و کلاسیک علوم انسانی و اجتماعی

درست است که علم مدرن از وحی تبری جسته و صرفاً به منابع معرفت عقلی و تجربی و حتی صرفاً تجربی بسنده نموده است ولی به دلیل همین عقلانیت و تجربه محوری، که جزو منابع معرفت دینی هم هستند، علم مدرن وجوهی از حقیقت را در بر دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۳) فلذا تجارب و اجزای آن می‌تواند در مسیر نظریه‌پردازی علم دینی مورد ایده‌گیری و استفاده قرار گیرد. برای همین باید کلیت علم مدرن به صورت روشمند مورد شناسایی و ترجمه قرار گیرد و از مصالح آن در بنای علم دینی استفاده گردد. طبیعی است که ترجمه ناقص و غلط علم غربی خودبخود این روند را به انسداد خواهد کشاند.

ترجمه مقدمه هم زبانی با دیگران و مشارکت در پیشبرد علم و تفاهم میان فرهنگهاست. بر این اساس در صورتی که بر اساس نیازهایمان کار ترجمه را سامان دهیم و در ترجمه‌ها هم بیندیشیم به احتمال قوی در راه ایجاد علم بومی و دینی قرار می‌گیریم و بین ترجمه و علم بومی و دینی ارتباطی برقرار می‌گردد. (داوری، ۱۳۸۹: ص ۳۳)

یکی از بزرگترین دردسرهای علوم انسانی و اجتماعی کشور استفاده از متون دست‌چندم و بعضاً با ترجمه‌های گنگ و ضعیف است که به عدم درک درست و جامع از علوم انسانی و اجتماعی، آنگونه که در غرب معنا دارد، دامن می‌زند و متعاقباً امکان نظریه‌پردازی و تولید هرگونه فکر جدید (اعم از دینی و غیردینی) را از اساتید و دانشجویان می‌گیرد.

هم اکنون بسیاری از متون کلاسیک اصلی علوم انسانی و اجتماعی غربی، که علوم موجود میراثدار آنهاست، به فارسی ترجمه نشده است و بدنه علمی کشور از عناوین و یا محتوای آنها شناخت روشنی ندارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد هم اکنون فرآیند انتخاب کتاب از سوی ناشران و مترجمان از قاعده مشخصی پیروی نمی‌کند و کتابها بیشتر به صورت تصادفی و ذوقی و یا بر اساس منافع اقتصادی ترجمه می‌شوند و به همین دلیل، خیلی از آثار کلاسیک و علوم انسانی و اجتماعی به فارسی ترجمه نشده‌اند (صابری، ۱۳۸۹)

این در حالی است که شغل پر درآمدی به نام مشاور انتشارات در کشورهای غربی وجود دارد که در آن مشاوران وظیفه دارند کتابهای جهان را رصد نموده و بهترینها را برای انتشار معرفی کنند (میرعباسی، ۱۳۸۹)

البته شمار زیادی از کتب کلاسیک علوم انسانی و اجتماعی هستند که با سرمایه گذاری بخش خصوصی قابل ترجمه و انتشار نیستند و لازم است که سرمایه و حمایت‌های حکومت در این قسمت فعال گردد. فی‌المثل می‌توان در ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با هدف ساماندهی وضعیت ترجمه و با مشارکت قاطبه مراکز علمی و پژوهشی کشور، مرکزی تاسیس کرد که وظیفه شناسایی و اولویت‌بندی متون اصلی علوم انسانی و اجتماعی غربی و شناسایی و آموزش و ارتقای مترجمین توانمند و در نهایت ترجمه و انتشار متون مذکور را بر عهده بگیرد. (طرح ساماندهی ترجمه، ۱۳۸۹)

گذشته از فرآیند ترجمه، برخورد منتقدانه مترجم متخصص با متن و ارایه نظرات خود در حاشیه متن، کار مهمی است که می‌تواند انجام پذیرد. طبیعی است که مراجعه به متون اصلی علمی غربی و ترجمه صحیح و دقیق آنها و ایجاد زمینه‌ای برای حاشیه‌نویسی عالمانه مترجم به متن مورد ترجمه، آنگونه که سنت علمی ما در دوران نهضت ترجمه در قرون سوم و چهارم هجری و بعد از آن بوده است، رویکرد درستی برای استفاده روشمندان از اندوخته‌های علمی غربی در جهت تولید علم مطلوب می‌تواند باشد. رویکردی که مسلمین یکبار در قرون سوم و چهارم هجری، با اتخاذ آن به ارتقا و غنای علمی تمدن اسلامی اهتمام ورزیدند. (نجف‌پور و گیتی‌پسند و خسروپناه، ۱۳۹۰) هم اکنون یکی از مشکلات جدی حوزه ترجمه، عدم فهم درست کلیت متن توسط مترجم و ترجمه کلمه به کلمه متون می‌باشد که در نهایت، انسجام محتوایی متن ترجمه شده را از بین می‌برد و خواننده را به آشفتگی مفهومی و انحراف می‌کشانند.

موارد مذکور چندین پیشنهاد راهبردی برای زمینه‌سازی جهت تولید علم دینی هستند که قابلیت عملیاتی سازی و برنامه ریزی دارند. البته همانطور که ذکر شد راهبردهای دیگری هم توسط پژوهشگران و سیاست‌پژوهان می‌تواند پیشنهاد گردد و سیاستگذاران علی‌الاصول باید بعد از گردآوری این پیشنهادات نسبت به بررسی و وزن‌دهی آنها اقدام نموده و در نهایت بهترین‌های آنها را انتخاب و در دستور قرار دهند. نظر نگارنده‌گان این است که این قسمت از فرآیند مورد اشاره، به صورت کامل و درست انجام نمی‌شود و سیاستگذاران به صورت غیر روشمند و عموماً ناآگاهانه به سمت برخی راهبردها سوق می‌یابند و عمدتاً نگاه درجه دوم به راهبردها ندارند و فرآیند گردآوری، تبیین، توجیه و انتخاب اصلح را بهینه انجام نمی‌دهند.

جمع بندی:

برای تحقق دغدغه اصلی مسوولان و اندیشمندان نظام اسلامی یعنی مدیریت اسلامی-ایرانی کشور نیاز به تولید نرم افزار متناسب با این فرآیند ضروری به نظر می‌رسد که منظور از این نرم افزار، علم دینی است.

برخی سیاستگذاران لازمه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی علم دینی را، مفهوم‌شناسی و اجماع اندیشمندان بر این عبارت می‌دانند ولی نگارنده‌گان بر این اعتقاداند که این مطلب شرط لازم سیاستگذاری نیست فلذا با اتخاذ راهبردهایی می‌توان زمینه مساعدی برای تولید علم دینی و یا علم متأثر از مبانی و ارزشهای دینی و یا علم هماهنگ با مبانی و ارزشهای دینی ایجاد کرد. سیاستهای ذیل که بر اساس الگوی "تعمیق و نقد علم و گفتگوی روشمند علم و دین" پیشنهاد و توجیه شده‌اند برای تحقق علم دینی زمینه مساعدی ایجاد می‌نمایند:

اول: آموزش فلسفه و تاریخ علم به دانشجویان و همچنین آموزش نقد علوم انسانی از منظر منطق درونی علم و همچنین از پایگاه دین و مطالعه تطبیقی علم و دین، دوم: احصاء نظریات موجود در باب علم دینی و بسترسازی برای نقد، اصلاح و تکمیل آنها و نیل دانشمندان برای تولید نظریات علمی بر اساس آنها، سوم: ساماندهی موضوعات پایان نامه‌های دانشجویی بر اساس موضوعات بومی، انتقادی و تطبیقی با دین، چهارم: سوق دادن گفتمان حوزه و دانشگاه از بستر فرهنگی و سیاسی به بستر علمی و بازتعریف سرفصلهای گروههای معارف دانشگاهها بر اساس دلالتهای دین در حوزه علم و تعامل تخصصی علم و دین، پنجم: ساماندهی فرآیند ترجمه روشمند قاطبه متون اصلی و کلاسیک علوم انسانی و اجتماعی

فهرست منابع:

- ۱- علی پور، مهدی / حسنی، سید حمیدرضا، ۱۳۸۹، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۲- گزارش عملکرد کمیته ارتقا متون درسی علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۹، معاونت راهبری فرآیند دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی
- ۳- آیین نامه داخلی کارگروههای شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی، ۱۳۹۰
- ۴- جوادی آملی، ۱۳۸۶ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسراء، اول(ب)
- ۵- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۹، طرح ساماندهی ترجمه متون کلاسیک فلسفی، علوم انسانی، اجتماعی غربی دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی
- ۶- صابری، اصغر، ۱۳۸۹، ترجمه حرفه ای و حضور فعال در عرصه جریانهای فرهنگی جهان،
<http://www.samantarjomeh.ir/index.aspx?siteid=۲۸۳&pageid=۰۲۱۲۶۱>
- ۷- میرعباسی، کاوه، ۱۳۸۹، نقد وضعیت ترجمه در کشور،
<http://www.samantarjomeh.ir/index.aspx?siteid=۲۸۳&pageid=۰۲۱۲۹۱&newsview=۰۵۴۷۴۵۹>
- ۸- طرح ساماندهی ترجمه متون کلاسیک فلسفی، علوم انسانی، اجتماعی غربی، ۱۳۸۹، دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی
- ۹- نجف پور، عزیز؛ گیتی پسند، فاطمه؛ خسروپناه، عبدالحسین؛ ۱۳۹۰، وضعیت حوزه های علمی معاصر نهضت ترجمه و زمینه ها و عناصر شکل گیری نهضت، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم شماره ۱

¹ اسامی صاحب نظران بدین شرح است:

- ۱- دکتر حمیدرضا آیت اللهی، رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو شورای تحول علوم انسانی
- ۲- حجت الاسلام و المسلمین دکتر صابر اکبری جدی، دبیر سابق شورای اسلامی شدن دانشگاهها
- ۳- دکتر حسن بنیانیان، رییس موسسه پیوست نگاری فرهنگی
- ۴- دکتر مصطفی تقوی، عضو هیات علمی گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف
- ۵- دکتر سید حمیدرضا حسنی، عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۶- حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبالحسین خسروپناه، رییس موسسه حکمت و فلسفه و عضو شورای تحول علوم انسانی
- ۷- دکتر فریدون رحیمزاده، دبیر سابق شورای اسلامی شدن دانشگاهها
- ۸- حجت الاسلام و المسلمین دکتر حبیب محمدنژاد، معاون پژوهشی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها و عضو تیم تدوین نقشه جامع علمی کشور
- ۹- دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی، معاون علمی سابق شورای اسلامی شدن دانشگاهها

The Islamic Republic of Iran's strategic drafts to achieve “religious science”

based on “the pattern of science critique&deepening& methodical dialogue of science & religion”

*AzizNajafpoor

**FatemehGitipasand

Abstract:

Scholars and officials of Islamic Republic in direction of their main concern, Islamic-Iranian management of country, in order to produce process software have had numerous efforts such as religious science, indigenous science, software movement, islamization of universities, change of humanities, etc.

There is an important question that with which policy preparations can activate formal and informal education and research system in this direction.

With critical study of these efforts and situation of education and research system, it may be to achieve revisory, complementary and new strategies with whom execution it is forecasted to increase precision and speed of desired science attainment.

The way of producing religious science pass the road of understanding and methodical critique of the western science and adapting it with religion. In order to accurate understanding of western science, it is necessary to be acquaint with each discipline theories and history as its philosophy, methodology, extremes and norms.

To critique of these cases based on inner structure of science and religion is a favorable basis for producing religious science. We called this approach “the pattern of science critique &deepening& methodical dialogue of science & religion”. With this description, in this paper, with library method, we have studied critically some fields and features of country`s humanities system and also propose and describe five strategies for producing religious science.

Keywords: policies to produce religious science &indigenous science, critique, comparative studies, translation

*Phd candidate in philosophy of science in institute for humanities and cultural studies, tel.fax: (۹۸)(۲۱)۸۸۰۴۶۸۹۰, Email: Aidin.najafpoor@gmail.com

**Master in educational management in imam sadiq(a) university,
Email:F.gitipasand@yahoo.com

الافتراضات الاستراتيجية للجمهورية الإسلامية للوصول إلى "العلم الديني"
مبتنى على نمط "تعميق ونقد منهجي للعلم والمحدثه العلم والدين"

عزيز نجف پور (طالب الدكتورا فى فلسفه العلم) Aidin.najafpoor@gmail.com

فاطمه گیتی پسند (ماجستير فى الإدارة التربوية) f.gitipasand@yahoo.com

العلماء والمسؤولون للجمهورية الإسلامية فى جهة قلقهم الاصلى يعنى مديريه البلد على نهج الاسلامى-
الايرانى، انجزوا الجهود العديده لتوليد برنامج هذه المسيره منها العلم الدينى، العلم البلدى، حركة البرمجيات
الاصليه، تحول الجامعات فى مسير الاسلام، تحول العلوم الانسانيه و...

هذا هو السؤال المهم الذى يطرح: ما هى التدابير السياسيه التى يمكن بها تنشيط نظام التعليميه والبحثيه الرسميه
ولا الرسميه فى هذا الاتجاه؟

مع تحررى الإنتقاديّ بعض هذه الجهود و وضعيه نظام التعليميه و البحثيه يمكن الوصول إلى استراتيجيات
الإصلاحيه و التكميليه و الجديده من المتوقع أن أداءها يزيد الدقه و السرعه فى الوصول العلم المطلوب.

طريق إنتاج العلم الدينى هو فهم و نقد منهجى للعلوم الغربيه و تطبيقها مع الدين. لفهم العلم الغربى هو ضرورى
التعرف بالنظريات حول كل حقل العلمى بأكمله و تاريخ تكونها و تطورها، مع فلسفتها ومنهجيتها، وغاياتها و
قواعدها. نقد هذه الموارد مبتنى على هيكل الداخلى العلم و الدين مجالاً مناسباً لإنتاج العلم الدينى. نسمى هذه
الطريق نمط "تعميق ونقد منهجى للعلم والمحدثه العلم والدين". مع هذا الوصف، فى هذه المقالة، بالنهج
المكتبيّه، مع تحررى الإنتقاديّ بعض الحقول والمؤلفات لنظام العلوم الإنسانية فى ايران يقترح وصف
استراتيجيات الخمسه لإنتاج العلم الدينى.

كلمات البحث: سياسات لالتوليد علم الدينى و العلم المحلى، النقد، الدراسات التطبيقيه، الترجمة